

"تشکیلات_ رسانه_ خیابان"

حلقه های جدا در جنبش مطالباتی بازنشستگان

حسین اکبری

در آبانماه سال 1398 طی نوشتاری در سه بخش با عنوان "جنبش بازنشستگان چه میخواهد؟" به موارد زیر پرداختم:

هویت بازنشستگان-1

2- مشابهت های زندگی آنان از نظر فرهنگی و اقتصادی

3- دغدغه ها و نگرانی های گوناگون و مخاطراتی که این زندگی بازنشسته را تهدید کرده و می کند .

4- تاثیر بحران های اقتصادی و سیاسی بر زندگی بازنشستگان

5- میزان توجه و الویت دادن دولت ها و نظام سیاسی حاکم به منزلت اجتماعی و کرامت انسانی بازنشسته و چگونگی زیست چندی میلیونی این بخش از جمعیت کشور به ویژه در شرایط خاص سنی و تبعات ناشی از این شرایط

6- میزان نارضایتی کنونی بازنشستگان و شیوه بیان این نارضایی ها

7- میزان و نحوه سازمانیابی بازنشستگان

8-برآمد اعتراضات این جنبش اجتماعی و تاثیرات آن در جامعه و برعکس و چگونگی توجه به آن

در آن نوشتار برای نشان دادن وضعیت سازمانیابی بازنشستگان حدود 124 تشکل و شبه تشکل بازنشستگان نام برده شد که البته در این 124 گروه نامبرده جدا از کانون های کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی است. ولی در مورد کانون ها در ادامه توضیحاتی داده شد که بنا به اهمیت آن دوباره به آن توضیحات می پردازم

کانون‌های بازنشستگان کارگران سازمان تامین اجتماعی سازمان یافته ترین تشکل های کارگران بازنشسته است که طی اساسنامه و با نظارت وزارت کار تشکیل شده‌اند و از سطح کانون‌های بازنشستگی شهر، استان و کانون عالی بازنشستگان در سطح کشور سازمان یافته‌اند. این کانون‌ها طی پروسه‌ای به تدریج از حوزه نفوذ بازنشستگان قدیمی که بیشتر از سندیکاهای کارگری بودند، خارج و در بیشتر شهرها به دست عوامل خانه‌کارگر افتاده‌است. این کانون‌ها مستقیماً حق عضویت بازنشسته‌ها را از محل پرداخت مستمری آنها برداشت می‌کنند و کارگران بازنشسته تامین اجتماعی به اعتبار پرداخت همین حق عضویت‌ها در این کانون‌ها عضو شناخته می‌شوند.

علی القاعده این اعضا باید از حقوق خود در کانون‌ها مطلع باشند و کانون‌ها باید در مجامع رسمی به آنها گزارش عملکرد و بیلان مالی ارائه دهند ولی آنچه که اتفاق می‌افتد خلاف این روش و اصولی است که هم اساسنامه‌ای است و هم خلاف عرف شیوه کار تشکیلاتی که باید به آن توجه شود.

در کانون‌ها پس از یکبار اعلان در روزنامه رسمی آنها بصورت کاملاً محدود و عدم حضور اعضا و نرسیدن به حدنصاب لازم برای بار دوم با هر تعدادی مجمع رسمیت می‌یابد و بدیهی است که جز تعدادی که بیشترشان تحت تاثیر عوامل خانه کارگری هستند، افراد دیگری نمی‌توانند در روند انتخابات، نتایجی جز آنچه که بوسیله این جریان سازمان یافته تدارک شده است را رقم زنند و متأسفانه در چنین شرایطی این تعداد از گروه های مدافعان بازنشستگان که مستقل از خانه‌ی کارگر عمل می‌کنند، حتی نظاره‌گر این انتخابات و فعالیت های قبل و بعد آن هم نیستند و واقعا به درستی نمی‌دانند در کانون‌ها چه می‌گذرد.

نمونه ی انتخابات مهندسی شده در آخرین مجمع عمومی کانون کارگران بازنشسته تهران :

بنا بر گزارش منتشره در فضای مجازی از سوی کانون گفتگوی بازنشستگان تامین اجتماعی پنج شنبه 27 بهمن 1400 مجمع عمومی کانون کارگران بازنشسته تهران در سالن مجموعه ورزشی نگین برای ارائه گزارش دو ساله و تصویب عملکرد و صورت های مالی کانون برگزار شد.

طی این گزارش گفته می‌شود: " معمولاً کانون یک هفته قبل بازنشستگان ابزاری که با گرفتن یک امتیاز جزئی از حقوق خود یا سهم دیگر بازنشستگان، با سفر زیارتی و گرفتن وام، ابزار دست کانون شده و منافع و حقوق هم طبقه ای های خودشان را به مدیران کانون و دولت می‌فروشند، از قبل برای بازنشستگان ابزاری جلساتی در کانون گذاشته و دستورات لازم را به آنها می‌دهند که با بالا بردن دست یکی از مدیران یا خانم (.....) آنها هم دست‌های خود را بالا برده و رأی مثبت دهند و اگر دست بالا نبردند آنان نیز رأی ندهند. ضمناً آن خانم حقوق بگیر، اسامی مد نظر مدیران را در برگه های انتخابات از قبل نوشته و با حضور بازنشستگان، برگه آرای سفید آنها را گرفته و برگه پر شده آراء را به آنان می‌دهد. "

این گزارش ادامه می دهد: "در ابتدای جلسه پنجشنبه حدود 200 نفر، عموماً از دست پروردگان کانون حضور یافتند، تعداد کم کم به 500 نفر رسید. سه نفر هیأت رئیسه مجمع از جمله حسن صادقی مهندسی شده بعنوان رئیس مجمع انتصاب شدند، که مورد اعتراض بازنشستگان مستقل قرار گرفت. زیرا هیأت رئیسه اساساً نباید از بین مدیران کانون و بازرسان باشند زیرا نقض غرض است، مگر می شود، هیأت رئیسه عملکرد و صورت های مالی خود را رد کند؟ این ترس و وحشت مدیران کانون است که حتی حاضر نیستند هیأت رئیسه انتخابی از بین بازنشستگان - و نه انتصابی از بین خود آنان - باشند. بازنشستگان مستقل اظهار داشتند آنها فقط توانسته اند کف خیابان حقوق خود را کسب کنند. مسلماً اگر بازنشستگانی که مدافع منافع و همبستگی و اتحاد کل بازنشستگان هستند حضور بیشتری داشتند، مدیران کانون قادر نبودند اهداف خود را به پیش برده و بر پتانسیل اعتراضی موجود افزوده می شد."

به این ترتیب مجمع عمومی کانون در فضای کرونایی و بدون اطلاع رسانی و احتمالاً برای قانونیت یافتن تنها با درج آکھی در روزنامه رسمی که متأسفانه قابل دسترسی برای همه ی بازنشستگان نیست؛ با توصیفاتی که از سوی "انجمن گفتگوی بازنشستگان تامین اجتماعی" داده شده است برگزار می شود و برای چندمین بار نتایج دلخواه متولیان کنونی با حضور نماینده وزارت کار رقم می خورد!

بخش مهم این بی توجهی دلایل برگزاری چنین مجامع عمومی به خاطر عدم توجه بازنشستگان ناشی از عدم شناخت و دانش لازم نسبت به مبارزه با مضامین سندیکایی است. در پرسش از برخی فعالان بازنشسته که چرانبست به این کانون ها بی توجه هستید؟ با این پاسخ نادرست و خطا که: "چون این کانون ها راست و وابسته اند و نباید به درون آنها رفت." مواجه می شویم. در نتیجه این کارگری ها هستند که بی هیچ نگرانی سیاست های خود را در کانون ها به پیش برده و علاوه بر هزینه کرد از امکانات مالی ناشی از حق عضویت های دریافتی هیچ گونه تلاش برای بهبود وضع بازنشستگان ندارند و در بهترین حالت برای تعدادی از اعضا تسهیلات بانکی بابهره ی پایین می گیرند و تعدادی هم بابودجه کانون به سفرهای زیارتی - سیاحتی اعزام می کنند .

کارکرد این کانون ها عبارتند از:

- 1- کنترل و هدایت بازنشستگان در جهت اهداف سیاسی خانه ی کارگر و استفاده از پتانسیل موجود در بین بازنشستگان درامورات سیاسی مثل انتخابات
- 2- کنترل نارضایی بین بازنشستگان بآدادن وعده پیگیری مطالبات از راه های مذاکرات مبتنی بر کدخدانمنشی با مسوولان ذیربط

3 - استفاده از منابع مالی نزد صندوق کانون‌ها در راستای سیاست‌هایی چون تامین بیمه‌های تکمیلی و نظایر آن و همچنین بکاربردن منابع، به ظاهر برای حفظ ارزش این اندوخته‌ها که ناشی از حق عضویت هاست .

بطور قطع نمونه‌های دیگر این کانون‌ها در سایر بخش‌های کشوری و لشکری هم از این قاعده مستثنی نیستند و همان‌جا هم ممکن است مشابه رفتار و عملکرد خانه کارگری‌ها را دید.

مطالبه‌گری بازنشستگان تامین اجتماعی

در مقاطعی بازنشستگان به دلیل نارضایتی از سیاست‌گذاری‌های دولت و مجلس و سازمان تامین اجتماعی اعتراضاتی را در محل سازمان تامین اجتماعی در تهران و شهرستان‌ها و همچنین جلو مجلس شورای اسلامی برپا کرده‌اند تا به این وسیله نارضایتی خود را از وضع موجود به گوش مسوولان برسانند و در این باره، گاه با برخوردهای ناشایست و حرمت شکنانه‌ی نیروهای امنیتی و پلیس مواجه بوده‌اند، چنان‌که تعدادی از بازنشستگان تحت پیگرد و بازداشت قرار گرفته‌اند و آخرین آنها نیز اسماعیل گرامی بازنشسته‌ای که به جرم بیان اعتراضات بازنشستگان در محل‌های اعتراض، اکنون با حکم قضایی به ناروا متحمل کیفر و زندان شده است .

وجود کرونا از عواملی است که باعث گردیده‌است اعتراضات به وضعیت ناگوار و هردم بحرانی‌تر شونده‌ی اقتصاد خانوارها کمتر جلوه‌ی بیرونی پیدا کند. کانون‌های بازنشستگی به خاطر وجود این بیماری و با سوء استفاده از این فضا از پاسخگویی در مورد چگونگی پیگیری مطالبات بازنشستگان طفره رفته‌اند ولی در همین شرایط کرونایی جمعیتی را برای مشروعیت بخشی به خود در مجمعی مهندسی شده جمع می‌کنند !

در سایر سازمان‌های بازنشستگی کشوری هم این بی‌مسئولیتی جریان دارد. در نتیجه اخیراً گروه‌هایی از بازنشستگان با همه‌ی خطرات ناشی از همه‌گیری کرونا برای اعتراض به خیابان می‌آیندو بهمین سبب نه آنچنان جمعیت قابل توجی از بازنشستگان معترض را در این اعتراضات شاهدیم و نه دولت و مسوولان به‌میزان حضور اعتراضی و صدای واقعی معترضان را مشاهده می‌کنند و می‌شنوند ، وادار می‌شوند تا در صدد پاسخگویی برآید .

با این همه آنچه که به عنوان بخش قابل توجهی از مطالبات بازنشستگان در فضای مجازی و یا توسط همین جمعیتِ بارنشسته در خیابان خوانده و شنیده می‌شود عبارتست از :

کوتاه شدن دست دولت از صندوق‌های بازنشستگی و نظارت ، بازرسی و کنترل نمایندگان مستقل-۱ بازنشستگان بر صندوق‌ها

پرداخت بدهی‌های به روز شده دولت به صندوق سازمان تامین اجتماعی-۲

اجرای همسانسازی کامل حقوق-۳

تعیین حقوق مطابق با هزینه های واقعی زندگی و افزایش آن طبق ماده ۹۶ متناسب با نرخ واقعی تورم-۴

اجرای ماده ۱۱۱ (مستمری از کارافتادگی و بازماندگان نباید از حداقل مزد کارگر کمتر باشد)-۵

توقف طرح دوفوریتی حذف ماده ۵۰ تامین اجتماعی علیه منافع کارگران و بازنشستگان-۶

اجرای ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی در مورد ارائه همه خدمات درمانی بشکل رایگان و لغو قراردادها -۷
با شرکتهای بیمه ای که هدفی بجز غارت اموال بازنشستگان ندارند

پرداخت عیدی کارگری معادل دو ماه حقوق به بازنشستگان -۸

احتساب سابقه ارفاقی مشاغل سخت و زیان آور همچون سابقه استحقاقی در متناسب سازی حقوق سال -۹
۹۹. بازنشستگان و پرداخت معوقه ی آن

۱۰- آزادی بی قید و شرط همه فعالین از جمله کارگر بازنشسته آقای اسماعیل گرامی .

اینکه چرا مطالبات بازنشستگان جدی گرفته نمی شود. طبعاً دوطرف رابطه یعنی یکسو دولت و مجلس و مدیران سازمان تامین اجتماعی هنوز این اعتراضات را جدی نگرفته اند و با تصورات نادرست از حجم اعتراضات و سیاست های نادرست تر سعی دارند ریاضت کشی را به بازنشستگان تحمیل کنند! و سوی دیگر هم توده ی چند میلیونی بازنشستگان قرار دارند که اراده ی آنها برای دستیابی به این مطالبات برای کاهش فشار های اقتصادی و تامین آسایش و سلامت جسمی و روانی شان بکار بسته نشده است .

در مورد دوم یعنی برانگیختن اراده حداکثری جمعیت بازنشسته ها برای مطالبه گری مشکلاتی وجود دارد که پرداختن به آنها اولاً مستلزم شناخت درست از وضعیت کنونی در سه عرصه ی تشکیلات _ رسانه و خیابان است، چرا که هماهنگی و تاثیر متقابل این سه عرصه دقیقاً از ملزومات و ضروریات مطالبه گری است.

گردد و بطور خلاصه اینکه کارگران هویتی جدا از دلایل آن کاملاً به همان 8 مورد آغاز این نوشتار برمی کار و تولید دارند، در معرض مخاطرات و آسیب های جسمی و روانی دورانی از عمر خود هستند، تغییرات در اقتصاد مستقیم و بی واسطه هزینه زندگی آنان را بالا می برد و امکاناتی برای برقراری موازنه بین مستمری خود با نرخ رشد سبب هزینه ای خود ندارند، نیاز به همسانی در رفع مشکلات را برای همکاری دارند زیرا دیگر دولت ها آنها نیروهای ذخیره نمی دانند و آن حسابی را که در مجموع از شاغلین و نیروهای کارآمد می برند از بازنشسته نمی برند و عزت نفس بازنشسته ها نیز اجازه نمی دهد سربار جامعه و در درجه اول فرزندان خود باشند و بهمین جهت آنان مطالبه را از حقی که برای امروز خود پس انداز و ذخیره کرده اند می خواهند. برای این مطالبه ی برحق باید یکی شوند در نتیجه تشکیلات می خواهند - باید

همصدا شوند و صدایشان را به گوش جامعه برسانند در نتیجه رسانه می خواهند و باید برای نمایش مطالبات در جایی اعتراض کنند در نتیجه خیابان را می خواهند تا دیده شوند و نظر دولت و مسوولان و جامعه را به خود جلب کنند .

همانگونه که پیش تر گفته شد کانون ها تشکیلات بازنشسته ها چه در تامین اجتماعی و چه در بازنشستگان کشوری هستند و کانون های موجود بنا به سرشت و ساختار کنونی آنها این جمعیت را نمایندگی نمی کنند و با تعداد زیادی گروه های شبه تشکیلاتی در پی مطالبات آنان نیستند و بهمین دلیل است که جز این کانون سعی دارند بازنشستگان را نمایندگی کنند. از آنجا که این گروه ها نیز در فضای مجازی فعال هستند و برگزیده ی بازنشستگان نیستند و در بهترین حالت هیات موسسان تشکیلاتی در آینده هستند ، هرکوشی از سوی آنان تنها می تواند مطالبات کارگران را نمایش دهد و در واقع چیزی جز رسانه نیستند! آنها بازنشستگان را به خیابان فرامی خوانند اما بازنشستگان بسیار اندکی به این فراخون ها پاسخ می دهند و آنچنان که در هر فراخوانی شعار واحدی داده می شود که: «تنها کف خیابون – به دست میاد حقمون» خیابان تسخیر نمی شود . دولت و مسوولان نیز با شناخت و اطلاعات دقیق می دانند که این تحرکات چه اندازه بُرد دارد و طبعاً به عادی سازی این حد از اعتراض تن می دهند تا سرحدی های ناشی از این شرایط خود به خود جمع را مستهلک کند .

بدون تشکیلات مستقل و قدرت رسانه ای ، خیابان تنها نماد اعتراض است!

در واقع شرط کف خیابان برای احقاق حق منوط به شروط دیگری است به عبارت دیگر آن قدرت ناشی از تشکیلات که بتواند با پژواک صدای کارگران رسانه ای تاثیر گذار برای تسخیر خیابان و گرفتن حق باشد ؛ از نیاز های ضروری است . بازنشسته هایی که عضو کانون هستند و برای این عضویت ماهانه هزینه می کنند و برابر این عضویت باید اختیار انتخاب کردن و انتخاب شدن را برای تعیین سرنوشت خود داشته باشند از این آزادی و اختیار بنا به کارکردهای نادرست عده ای که کانون ها را ملک طلق خود کرده اند؛ محروم شده اند! و آنها که این کانون ها را سالهاست با هر ترفندی تصرف کرده اند نیز هیچگاه اراده ای برای کسب مطالبات بازنشسته ها بکار نبسته اند ! وقتی قدرت برقراری این حقوق در بین بازنشستگان نیست چگونه قدرت گیری در هر جای دیگر امکان پذیر خواهد شد ؟

به این ترتیب بازنشسته ها قبل از هر چیز باید قدرت و توانایی به اختیار گرفتن تشکیلاتی را که به اسم آنان و با پول آنان و با استناد به حقوق اجتماعی آنان شکل گرفته است را پیدا کنند و به شکل واقعی تشکیلات کانون ها را از آن خود سازند و در آنجا صدای واحدی پیدا کنند و رسانه های هماهنگ در هر فضای ممکن اعم از مجازی و غیر مجازی ایجاد کنند و این صداها را یکجا کرده و در عین حال از این رسانه های متفاوت زمینه نقد رفتار منتخبان خود را فراهم سازند تا آنجا که شاهد فرصت طلبی گروهی

خاص به نام بازنشستگان نباشند! آنگاه این اراده جمعی و همگانی بازنشستگان است که در هر جا و از جمله در خیابان می تواند موجب به دست آوردن مطالبات برحق آنان گردد .